

بررسی تاثیر محافظه کاری و ویژگی های ساختاری و عملکردی شرکت بر کیفیت افشا

مهدی محمدآبادی

دانشجوی کارشناسی ارشد حسابداری دانشکده مدیریت دانشگاه تهران

دکتر بیتا مشایخی

عضو هیات علمی و دانشیار گروه حسابداری دانشکده مدیریت دانشگاه تهران

محمد مهدی میرزایی عباس آباد

دانشجوی کارشناسی ارشد حسابداری دانشکده علوم اقتصادی

چکیده:

در مبانی نظری حسابداری تاکید فراوانی بر برخورداری بودن اطلاعات افشا شده از ویژگی قابلیت اتکا شده است. می توان پیش بینی کرد محافظه کاری حسابداری به عنوان یک زیرویژگی کیفی بتواند نقش بسزایی در افزایش قابلیت اتکا و به این ترتیب افزایش کیفیت افشای اطلاعات داشته باشد. در این راستا پژوهش حاضر درصدد جمع آوری و بررسی شواهد تجربی موجود پیرامون تاثیرگذاری محافظه کاری حسابداری بر کیفیت افشا است. تجزیه و تحلیل آماری داده های مربوط به ۱۱۱ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران در فاصله زمانی سال های ۱۳۸۳ تا ۱۳۸۶ نشان می دهد همزمان با اعمال درجات بالاتری از محافظه کاری سطح کیفی افشای انجام شده توسط شرکت نیز افزایش یافته است. این نتایج در شرایطی به دست آمده که تاثیرات متغیرهای مرتبط با ساختار و متغیرهای مرتبط با عملکرد بر کیفیت افشا تحت کنترل و بررسی قرار گرفته است. بنابراین می توان گفت شواهد تجربی متقاعدکننده موجود، هم راستا با مبانی نظری حسابداری، بیانگر تاثیر مستقیم محافظه کاری بر کیفیت افشا و گزارش اطلاعات مالی هستند.

واژه‌های کلیدی: محافظه‌کاری، کیفیت افشا، اندازه شرکت، نسبت بدهی، سودآوری، نقدینگی.

مقدمه

بنابر چارچوب‌های مفهومی که در دهه‌های اخیر توسط مراجع تدوین‌کننده استانداردها و مبانی نظری حسابداری تبیین شده، هدف اصلی حسابداری و گزارشگری مالی عبارت از ارائه اطلاعات سودمند برای تصمیم‌گیری اقتصادی توسط استفاده‌کنندگان صورت‌های مالی است [۱۴]. تدوین‌کنندگان استانداردها و مبانی نظری حسابداری و گزارشگری مالی اطلاعاتی را برای تصمیم‌گیری اقتصادی سودمند می‌دانند که دارای ویژگی‌های کیفی مشخصی باشند. از منظر چارچوب‌های مفهومی حسابداری کیفیت گزارشگری و افشا زمانی متناسب با اخذ تصمیمات اقتصادی بهینه است که اطلاعات، مربوط، قابل‌اتکا، قابل‌فهم و قابل‌مقایسه باشند [۴]. در تدوین چارچوب‌های مفهومی فرض شده است برخورداری از ویژگی‌های کیفی باعث بهبود کیفیت گزارشگری مالی و افشا شده و موجب تاثیرگذاری اطلاعات بر دیدگاه‌های تصمیم‌گیرندگان در رابطه با گزینه‌های پیش‌رو (سودمند بودن در تصمیم‌گیری اقتصادی) می‌شوند. هر یک از این ویژگی‌های کیفی، خود، دارای ابعاد گوناگونی است. برای نمونه در مفاهیم نظری گزارشگری مالی ایران قابل‌اتکا بودن در زمینه کامل بودن، احتیاط (محافظه‌کاری)، بی‌طرفی، بیان صادقانه و رجحان محتوا بر شکل تبیین گردیده است [۴]. از آنجا که انتظار می‌رود برخورداری از ویژگی‌های کیفی اصلی باعث بهبود کیفیت ارائه و افشا گردد می‌توان پیش‌بینی کرد برخورداری از زیرویژگی‌های کیفی نظیر احتیاط (محافظه‌کاری) نیز موجبات بهبود کیفیت افشا را فراهم می‌آورد. کاربرد محافظه‌کاری، ارتقا قابلیت‌اتکا و ارتقا قابلیت‌اتکا افزایش کیفیت ارائه و افشای اطلاعات را به دنبال خواهد داشت. از آنجا که این پیش‌بینی صرفاً منعکس‌کننده دیدگاه هنجاری بکارگرفته شده در تدوین مبانی نظری حسابداری است [۱] و [۹]، پژوهش حاضر درصدد است به جمع‌آوری و بررسی شواهد تجربی مربوط به نوع تاثیرگذاری محافظه‌کاری حسابداری بر کیفیت افشا و گزارشگری مالی بپردازد. بدین منظور داده‌های ۱۱۱ شرکت پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران در فاصله زمانی سال‌های ۱۳۸۳ تا ۱۳۸۶

جمع آوری و از نظر آماری تجزیه و تحلیل شده است. نتایج این تجزیه و تحلیل نشانگر آن است که به موازات افزایش سطح محافظه کاری کیفیت افشای شرکت نیز بهبود یافته است. با این مقدمه و در ادامه مبانی نظری پشتوانه رابطه محافظه کاری با کیفیت افشا ارایه می شود. پس از آن دیگر عوامل اثرگذار بر کیفیت افشا، شامل اندازه شرکت، نسبت بدهی، سودآوری و نقدینگی، مورد بررسی قرار می گیرد. سپس روش تحقیق تبیین شده، یافته های تجربی، نتیجه گیری، پیشنهادها و محدودیت های تحقیق ارایه می گردند.

محافظه کاری و کیفیت افشا

بکارگیری و اعمال محافظه کاری در حسابداری، گزارشگری و افشای اطلاعات مالی در اصل ناشی از وجود ابهام است. بنابر مفاهیم نظری گزارشگری مالی ایران: "تهیه کنندگان صورت های مالی باید با ابهاماتی که به گونه ای اجتناب ناپذیر بر بسیاری رویدادها و شرایط سایه افکننده برخورد کنند.... چنین مواردی با رعایت احتیاط در تهیه صورتهای مالی و همراه با افشای ماهیت و میزان آنها شناسایی می شود" [۴]. با این حال در ادبیات حسابداری دلایل دیگری نیز برای توجیه بکارگیری محافظه کاری تبیین شده است. کارآتر شدن قراردادهای منعقد بین گروه های ذینفع در شرکت [۱۳]، [۳۲] و [۳۳]، کاهش بار مالیاتی که بر شرکت وارد می شود [۲۱]، کاهش احتمال طرح دعاوی حقوقی علیه شرکت و مدیران آن [۳۳]، مصون نگاه داشتن تدوین کنندگان استانداردهای حسابداری از چالش، نقد و نکوهش [۳۲] و در نهایت بهبود کیفیت افشا و افزایش شفافیت در گزارشگری مالی [۱۰] و [۱۱] برخی از این دلایل هستند. از آنجا که تحقیق حاضر به دنبال بررسی تاثیر میزان محافظه کاری بر کیفیت افشا است، در ادامه صرفا آخرین مورد فوق تشریح می شود.

مدیران شرکت ها در مقایسه با سهام داران، سرمایه گذاران، اعتبار دهندگان و دیگر ذینفعان شرکت دارای اطلاعات محرمانه (خاص) و برخوردار از مزیت های اطلاعاتی ویژه ای هستند. آنان از یک سو به دنبال حداکثر کردن منافع شخصی خود و از سوی دیگر، در اغلب موارد، به دنبال بهتر از واقع نشان دادن عملکرد خویش هستند [۷]. پیروی از نفع شخصی باعث می شود انگیزه مدیران برای افشای اخبار ناخوشایند در رابطه با بازده سرمایه گذاری ها و جریان های نقدی آتی بسیار کمتر از انگیزه آنان برای افشای اخبار خوشایند باشد. در این

شرایط محافظه کاری می تواند از تاثیر گذاری تمایلات جانبدارانه مدیریت بر افشای اطلاعات جلوگیری به عمل آورد [۲۳]. با بکارگیری درجات بالاتری از قابلیت اتکا برای شناسایی سودها یا افزایش های احتمالی در خالص دارایی ها، محافظه کاری به کاهش عدم تقارن اطلاعاتی بین مدیران و دیگر ذینفعان شرکت کمک کرده و باعث بهبود محیط اطلاعاتی پیرامون شرکت می گردد زیرا بکارگیری آن در نهایت می تواند به ارایه و افشای اطلاعاتی بینجامد که شاید در نبود محافظه کاری مدیران تمایلی به افشای آنها نداشته باشند [۱۱] و [۲۳].

خروجی های نظام حسابداری مالی تنها منبع اطلاعاتی در دسترس سهام داران، سرمایه گذاران و دیگر ذینفعان یک شرکت نیستند [۷]. با این حال به اعتقاد بسیاری از صاحب نظران گزارش های حسابداری و صورت های مالی در مقایسه با سایر منابع اطلاعاتی موجود بسیار با اهمیت بوده و نقش بسیار بسزایی در متاثر ساختن دیدگاه های تصمیم گیرندگان دارند [۸] و [۹]. بکارگیری و اعمال محافظه کاری در تهیه و افشای اطلاعات علاوه بر این که باعث جلوگیری از ارایه و افشای اطلاعات گمراه کننده توسط مدیران (شرکت) می گردد، می تواند با فراهم کردن یک مبنای منطقی، از ارایه اطلاعات گمراه کننده توسط سایر منابع اطلاعاتی نیز جلوگیری به عمل آورده و بدین ترتیب باعث بهبود کیفیت محیط اطلاعاتی پیرامون شرکت شود. اطلاعات ارایه شده توسط سایر منابع اطلاعاتی، که ممکن است بعضا بسیار خوش بینانه یا حتی گمراه کننده باشند، با اطلاعات ارایه و افشا شده تحت شرایط اعمال محافظه کاری مقایسه و ارقام غیر قابل اتکا از فرآیند جمع آوری اطلاعات و تصمیم گیری استفاده کنندگان صورت های مالی حذف می شوند [۲۳]. این امر همانطور که گفته شد موجبات بهبود کیفیت محیط اطلاعاتی پیرامون شرکت را فراهم می آورد. از این منظر اعمال محافظه کاری، صرف نظر از تاثیر مستقیمی که بر کیفیت افشا برجای می گذارد، می تواند به شکل غیر مستقیم نیز کیفیت افشای شرکت را متاثر سازد.

تسریع در شناسایی زیان ها و هزینه ها و در مقابل به تعویق انداختن شناسایی سودها و افزایش های احتمالی در خالص دارایی ها را می توان یکی از مکانیزم های نظام راهبری (حاکمیت) شرکتی نیز به شمار آورد. از این دیدگاه هم محافظه کاری باعث بهبود کیفیت

افشا، کاهش عدم تقارن اطلاعاتی و افزایش شفافیت در محیط اطلاعاتی پیرامون شرکت و نیز در روابط بین گروه‌های ذینفع می‌گردد. شناسایی سریعتر زیان‌ها در مقایسه با سودها، توجه استفاده‌کنندگان صورت‌های مالی، به ویژه سهام‌داران را به تصمیمات نادرست مدیران و نتایج منفی حاصل از این تصمیمات جلب می‌کند [۱۱] و [۱۰]. در نبود محافظه‌کاری از آنجا که مدیران تمایلی به افشای این‌گونه اطلاعات ندارند، احتمال آگاه شدن سهام‌داران و دیگر ذینفعان از واقعیت‌های موجود پیرامون شرکت به شدت کاهش خواهد یافت. از این منظر بکارگیری محافظه‌کاری مترداف با فراهم کردن زمینه مساعد برای بهبود کیفیت افشا است. یافته‌های تحقیقات تجربی که پیشتر انجام شده نیز حاکی از آن است که محافظه‌کاری حسابداری می‌تواند نقش بالقوه موثری در بهبود کیفیت افشا ایفا نماید. برای نمونه رضازاده و آزاد نشان دادند محافظه‌کاری انگیزه و توان مدیران برای دستکاری اطلاعات حسابداری را تقلیل داده، باعث بهبود محیط اطلاعاتی پیرامون شرکت شده و بدین ترتیب هزینه‌های نمایندگی مترتب بر عدم تقارن اطلاعاتی را کاهش می‌دهد [۲]. یافته‌های لافوند و واتز نیز نشانگر آن بود که محافظه‌کاری حسابداری قادر است کیفیت افشا (عدم تقارن اطلاعاتی بین ذینفعان مختلف) را افزایش (کاهش) دهد [۲۳]. باتاچاریا و همکاران نیز نشان دادند محافظه‌کاری می‌تواند به صورت موثری از افشای نامناسب اطلاعات مالی، به ویژه اطلاعات مرتبط با سود، بکاهد [۱۱]. بنابر مطالب پیش‌گفته می‌توان پیش‌بینی کرد با افزایش میزان محافظه‌کاری، کیفیت افشای شرکت بهبود یابد. بنابراین فرضیه اصلی تحقیق حاضر به شکل زیر بیان می‌گردد:

فرضیه اصلی: با افزایش میزان محافظه‌کاری کیفیت افشای شرکت بهبود می‌یابد.

در عین حال کیفیت افشا ممکن است تحت تاثیر اندازه شرکت، ساختار سرمایه، سطح سودآوری، نقدینگی شرکت و یا عوامل دیگری از این دست نیز قرار گیرد. در این راستا و برای این که نتایج پژوهش حاضر به شکل معنی‌داری قابل تفسیر باشد، تاثیرات احتمالی دو متغیر مرتبط با ساختار و دو متغیر مرتبط با عملکرد نیز مورد بررسی قرار گرفته که در ادامه رابطه مورد انتظار این متغیرها با کیفیت افشا تشریح می‌گردد.

متغیرهای مرتبط با ساختار

بنابراین تعریف این متغیرها مبین ویژگی‌هایی از شرکت هستند که انتظار می‌رود با گذشت زمان به صورت نسبی ثابت باقی بمانند و دچار تغییرات و نوسانات شدید نگردند [۲۴]. در این پژوهش اثر دو متغیر اندازه و نسبت بدهی (به عنوان متغیرهای مرتبط با ساختار) بر کیفیت افشا مورد بررسی قرار گرفته است.

به دلیل وجود صرفه‌جویی در مقیاس هزینه‌های تهیه و افشای اطلاعات برای شرکت‌های بزرگ به صورت نسبی کمتر از دیگر شرکت‌ها است [۲۹]. همچنین به دلیل تنوع و گوناگونی منابع اطلاعاتی که پیرامون یک شرکت بزرگ وجود دارد، این گونه شرکت‌ها با افشای بیشتر و بهتر، مزیت رقابتی کمتری را از دست می‌دهند [۲۷]. علاوه بر این فشار اجتماعی زیادی برای افزایش کمیت و کیفیت افشا بر شرکت‌های بزرگ وارد می‌شود [۱۶] و [۱۳]. بنابراین می‌توان پیش‌بینی کرد بین اندازه شرکت و کیفیت افشای آن رابطه مستقیمی وجود داشته باشد. از سوی دیگر می‌توان پیش‌بینی کرد بین اندازه شرکت و کیفیت افشای آن رابطه معکوس وجود داشته باشد. همانطور که لونتیس و ویتمن، جئونگ و رهو و خورانا و رامان بیان می‌دارند می‌توان فرض کرد با افزایش اندازه شرکت قدرت چانه‌زنی آن در برابر مکانیزم‌های کنترل اجتماعی، نظیر حسابرسی مستقل یا نهادهای ناظر بر بازار سرمایه، افزایش و در نتیجه کیفیت افشای آن کاهش می‌یابد [۲۵]، [۱۸] و [۲۰]. از آنجا که به نظر می‌رسد اندازه شرکت می‌تواند تاثیر بااهمیتی بر کیفیت افشای آن داشته باشد اولین فرضیه فرعی تحقیق به شکل زیر بیان می‌شود:

فرضیه فرعی اول: اندازه شرکت تاثیر با اهمیت و معنی‌داری بر کیفیت افشای آن دارد.

با افزایش مبلغ بدهی‌ها شرکت‌ها می‌کوشند با افشای بیشتر و بهتر درصدد کاهش دادن عدم اطمینان اعتباردهندگان و برآوردن نیازهای اطلاعاتی آنان و در نهایت کاهش دادن هزینه‌های نمایندگی برآیند [۲۶] و [۳۱]. از این منظر می‌توان پیش‌بینی کرد بین نسبت بدهی و کیفیت افشای شرکت رابطه مستقیمی وجود داشته باشد. از سوی دیگر بالا بودن نسبت بدهی به معنی پایین بودن ظرفیت استقرایی شرکت و نیز بالا بودن ریسک ورشکستگی است. در این حالت افشای بهتر می‌تواند تبعات منفی برای شرکت به دنبال داشته باشد و انتظار می‌رود شرکت از بهبود کیفیت افشای خویش خودداری نماید [۱۸]، [۲۷] و [۲۸]. از آنجا که انتظار

می‌رود نسبت بدهی (ساختار سرمایه) بر کیفیت افشای شرکت تاثیر بااهمیتی داشته باشد دومین فرضیه فرعی تحقیق به شکل زیر بیان می‌شود:

فرضیه فرعی دوم: نسبت بدهی تاثیر با اهمیت و معنی‌داری بر کیفیت افشای شرکت دارد.

متغیرهای مرتبط با عملکرد

بنابر تعریف متغیرهای مرتبط با عملکرد از دوره‌ای به دوره دیگر دچار تغییرات عمده می‌شوند. در تحقیقات مرتبط با کیفیت افشا این دسته از متغیرها اغلب به عنوان نماینده اطلاعاتی که به نظر می‌رسد مدیریت شرکت به دلیل برخورداری از مزیت‌های خاص اطلاعاتی، بهتر و بیشتر از سایرین به آنها دسترسی دارد مورد استفاده قرار می‌گیرند [۲۴]. در پژوهش حاضر با الگوبرداری از لونتیس و ویتمن از بین متغیرهای مرتبط با عملکرد، سطح سودآوری و نقدینگی مورد بررسی قرار گرفته‌اند [۲۵].

مدیران شرکت‌های سودآور در راستای افزایش رفاه و منافع شخصی خویش و نیز در راستای بهبود وضعیت سهام‌داران شرکت اقدام به گسترش کمی و کیفی افشا می‌نمایند [۱۷]، [۸] و [۲۵]. از سوی دیگر این احتمال نیز وجود دارد که شرکت‌های زیان‌ده یا شرکت‌های کمتر سودده هم به ارتقا کیفیت افشا خود پردازند. در این حالت هدف از بسط حوزه افشا عبارت است از ارائه اطلاعاتی که به سهام‌داران و سرمایه‌گذاران نشان می‌دهد عملکرد ضعیف شرکت در دوره جاری دلایلی مشخص و اغلب خارج از کنترل داشته که با برطرف شدن آنها عملکرد شرکت در آینده بهبود خواهد یافت [۲۵]. از آنجا به نظر می‌رسد سودآوری عاملی اثرگذار بر کیفیت افشا باشد سومین فرضیه فرعی تحقیق به شکل زیر بیان می‌شود:

فرضیه فرعی سوم: وضعیت سودآوری شرکت تاثیر با اهمیت و معنی‌داری بر کیفیت افشای آن دارد.

توانایی شرکت برای بازپرداخت بدهی‌ها و تعهدات کوتاه‌مدت، بدون آنکه نیازی به فروش دارایی‌های ثابت یا متوقف کردن عملیات جاری خویش داشته باشد، عامل مهمی در ارزیابی وضعیت و انعطاف‌پذیری مالی یک شرکت توسط سهام‌داران و اعتباردهندگان به شمار می‌رود. به همین دلیل اغلب نقدینگی را معیاری از ریسک تلقی می‌کنند [۳۰] و [۲۵]. از منظر تئوری علامت‌دهی می‌توان پیش‌بینی کرد شرکت‌هایی که دارای نقدینگی بالا هستند،

درصد گسترش کمی و کیفی حوزه افشای خویش برمی آیند. هدف از این کار آن است که شرکت بتواند بین خود و شرکت‌هایی که دارای وضعیت و انعطاف‌پذیری مالی نامطلوب (ریسک نقدینگی بالا) می‌باشند تمایز صریحی به‌وجود آورد [۱۳] و [۸]. از آنجا که انتظار می‌رود با افزایش نقدینگی کیفیت افشا بهبود یابد چهارمین فرضیه فرعی تحقیق به شکل زیر بیان می‌شود:

فرضیه فرعی چهارم: نقدینگی شرکت تاثیر مستقیم و معنی‌داری بر کیفیت افشای آن دارد. استفاده از نقدینگی به عنوان یک متغیر مرتبط با عملکرد مبتنی بر این فرض است که تغییرات دارایی‌ها و بدهی‌های جاری تا حد زیادی از عملکرد شرکت در یک دوره مالی مشخص تاثیر می‌پذیرد [۲۵].

روش تحقیق

برای آزمون فرضیه‌های تحقیق با توجه به معیارهای زیر تعدادی از شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران به‌عنوان نمونه انتخاب شدند:

- ۱- سال مالی شرکت مورد بررسی منتهی به پایان اسفند ماه باشد.
 - ۲- طی سال‌های ۱۳۸۳ تا ۱۳۸۶ سال مالی خود را تغییر نداده باشد.
 - ۳- طی سال‌های ۱۳۸۳ تا ۱۳۸۶ تغییر فعالیت نداده باشد.
 - ۴- اطلاعات مالی مورد نیاز در ارتباط با شرکت تحت بررسی در دسترس باشد.
- با توجه به معیارهای مزبور، در نهایت پس از حذف اقلام پرت ۱۱۱ شرکت (۴۴۴ سال- شرکت) انتخاب و داده‌های مورد نیاز برای آزمون پیش‌بینی‌های تحقیق در ارتباط با آنها جمع‌آوری گردید. سپس از طریق نرم‌افزار SPSS مدل رگرسیونی زیر برای تخمین ضرایب و استنباط در خصوص جهت و سطح معنی‌داری رابطه متغیرهای مستقل با متغیر وابسته مورد استفاده قرار گرفت:

$$DISC_{it+1} = \alpha_0 + \alpha_1 BTM_{it} + \alpha_2 SIZE_{it} + \alpha_3 LEV_{it} + \alpha_4 ROA_{it} + \alpha_5 CUR_{it} + \varepsilon_{it}$$

مدل (۱)

در این مدل، DISC نشانگر کیفیت افشا است. برای اندازه‌گیری کیفیت افشا، از امتیازات سالانه‌ای که توسط سازمان بورس اوراق بهادار در رابطه با کیفیت افشای شرکت‌های

پذیرفته شده در بورس اعلام می شود، استفاده گردیده است [۳]. پیشتر هم از این گونه امتیازات یا رتبه بندی ها در تحقیقات حسابداری استفاده شده است که برای نمونه می توان از تحقیقات خارجی و داخلی به پژوهش های کیمبرلی و می هیو و نوروش و حسینی اشاره کرد [۲۲] و [۶].

در مدل (۱) BTM نشانگر محافظه کاری و عبارت از نسبت ارزش دفتری خالص دارایی ها به ارزش بازار آنها است. هر اندازه که محافظه کاری بیشتری در تهیه، گزارش و افشای اطلاعات اعمال شده باشد، ارزش های دفتری کمتر از ارزش های روز بازار خواهند بود و نسبت ارزش دفتری خالص دارایی ها به ارزش بازار آنها کمتر خواهد شد. به عبارت دیگر محافظه کاری بیشتر به معنای BTM کمتر است. گیولی و هاین [۱۵] و خان و واتز [۱۹] و بسیاری دیگر از پژوهشگران از این نسبت یا از اشکال تعدیل شده آن برای سنجش محافظه کاری استفاده کرده اند.

برای سنجش متغیر اندازه (SIZE) و تعریف آن به صورت عملیاتی از لگاریتم طبیعی ارزش بازار حقوق صاحبان سهام شرکت (بر حسب میلیون ریال) استفاده شده است. برای اندازه گیری نسبت بدهی (LEV) یعنی دومین متغیر مرتبط با ساختار از نسبت جمع بدهی ها به جمع حقوق صاحبان سهام استفاده شده است. اندازه گیری متغیرهای مرتبط با عملکرد یعنی سطح سودآوری (ROA، بازده دارایی ها) و نقدینگی (CUR)، به ترتیب با تقسیم سود خالص شرکت بر جمع دارایی های آن در پایان سال و تقسیم دارایی های جاری بر بدهی های جاری صورت گرفته است.

یافته های تجربی تحقیق

در پژوهش حاضر از رتبه بندی مندرج در گزارش های سازمان بورس و اوراق بهادار برای سنجش و اندازه گیری کیفیت افشا استفاده شده است [۳]. در رتبه بندی که توسط سازمان بورس اوراق بهادار صورت می گیرد به برترین شرکت ها از نظر کیفیت افشا امتیاز ۱۰۰ و به بدترین شرکت ها امتیاز صفر یا منفی تعلق می گیرد. هرچند شرکت های دارای امتیازات منفی، اغلب از نظر تعداد پرشمار نیستند با این حال برخی از مشاهدات (سال- شرکت های)

تحقیق حاضر دارای امتیاز منفی کیفیت افشا می‌باشند. کوچکترین امتیاز کیفیت افشا در بین مشاهدات ۴- (به شرح نگاره ۱) می‌باشد. در مقابل بخشی از مشاهدات تحقیق در گروه شرکت‌های دارای کیفیت افشای بالا (امتیاز ۶۵ و بیشتر) قرار دارند. بنابراین در مجموع می‌توان گفت نمونه مورد بررسی در این تحقیق از نظر کیفیت افشا دارای تنوع و سطح پوشش مناسبی است. کمترین مقدار نسبت ارزش دفتری خالص دارایی‌ها به ارزش بازار آنها (بیشترین سطح محافظه کاری) در بین شرکت‌های بررسی شده ۰/۰۷۰ و بیشترین مقدار آن (کمترین سطح محافظه کاری) ۰/۹۶۴ بوده است. میانگین توزیع این متغیر، ۰/۴۳، تقریباً در وسط توزیع و نزدیک به میانه آن، ۰/۳۸، واقع شده و با توجه به آنکه انحراف معیار توزیع متغیر مزبور نیز بزرگ نیست می‌توان توزیع آن را نزدیک به نرمال دانست.

نگاره ۱- آمار توصیفی متغیرهای تحقیق

متغیر	کمترین	چارک اول	میانه	چارک سوم	بیشترین	میانگین	انحراف معیار
DISC	-۴	۳۲	۴۵	۶۵	۹۶	۴۷/۲۱۸	۲۲/۲۸۱
BTM	۰/۰۷۰	۰/۲۴۷	۰/۳۸۰	۰/۶۰۴	۰/۹۶۴	۰/۴۳۷	۰/۲۴۴
SIZE	۹/۳۶	۱۱/۷۹۷	۱۲/۶۶۹	۱۳/۹۵۷	۱۶/۸۳۰	۱۲/۸۹۸	۱/۴۸۴
LEV	۰/۲۰	۱/۱۳۱	۱/۹۹۲	۳/۴۸۵	۱۰/۹۵۰	۲/۷۰۷	۲/۲۲۲
ROA	-۰/۱۹۰	۰/۰۷۹	۰/۱۶۱	۰/۲۵۷	۰/۵۸۰	۰/۱۷۸	۰/۱۳۸
CUR	۰/۱۶	۰/۸۸۲	۱/۱۰۰	۱/۳۴۰	۳/۳۳	۱/۱۸۶	۰/۵۲۸

میانگین متغیر اندازه، ۱۲/۸۹۸، نیز نزدیک به میانه آن، ۱۲/۶۶۹، است. شرکت‌های بررسی شده به صورت میانگین در برابر هر یک ریال تامین مالی دارایی‌ها از محل حقوق صاحبان سهام اقدام به تامین مالی ۲/۷۰۷ ریال از دارایی‌ها از محل بدهی‌ها نموده‌اند. هر چند برخی از شرکت‌های بررسی شده زیان‌آور بوده‌اند و به همین دلیل بازده دارایی‌های آنها منفی (۰/۱۹۰-) شده است، با این حال بیشتر مشاهدات از سودآوری مناسبی برخوردار بوده‌اند. از

آنجا که میانه متغیر نسبت جاری (CUR) تقریباً برابر یک می‌باشد می‌توان گفت دارایی‌های جاری تقریباً نیمی از مشاهدات کمتر از بدهی‌های جاری آنها و وضعیت نیمه دیگر عکس این حالت بوده است.

ضرایب هم‌بستگی بین متغیرهای تحقیق و نتایج تجزیه و تحلیل آماری انجام شده در ارتباط با آنها در نگاره ۲ ارایه شده است. در نیمه بالایی این نگاره ضرایب هم‌بستگی پیرسون و در نیمه پایینی آن ضرایب هم‌بستگی اسپیرمن نمایش داده شده‌اند. بین کیفیت افشا (DISC) و نسبت ارزش دفتری خالص دارایی‌ها به ارزش بازار آنها (BTM) هم‌بستگی منفی (۰/۱۲۲-) وجود دارد که از نظر آماری در سطح ۱ درصد خطا معنی‌داری است. از آنجا که BTM کمتر به معنای محافظه‌کاری بیشتر است، وجود این هم‌بستگی منفی معنی‌دار شواهد مقدماتی در خصوص وجود رابطه مستقیم بین محافظه‌کاری و کیفیت افشا فراهم می‌آورد. یافته‌های تحقیق به شرح نگاره ۲، حاکی از وجود هم‌بستگی منفی معنی‌دار بین BTM و اندازه، نسبت بدهی و بازده دارایی‌های شرکت (سطح سودآوری) هستند که منطبق بر مبانی مطرح شده توسط واتز می‌باشد [۳۳]. هم‌چنین یافته‌های تحقیق بیانگر وجود هم‌بستگی منفی معنی‌دار (۰/۱۸- و ۰/۱۷۶-) بین متغیرهای مرتبط با ساختار (اندازه و نسبت بدهی) و کیفیت افشا هستند. این در حالی است که هم‌بستگی مثبت معنی‌داری (۰/۲۱۶ و ۰/۱۳۷) بین متغیرهای مرتبط با عملکرد (سودآوری و نقدینگی) و کیفیت افشا قابل مشاهده است.

نگاره ۲ - ماتریس ضرایب هم‌بستگی پیرسون و اسپیرمن

متغیر	DISC	BTM	SIZE	LEV	ROA	CUR
DISC	۱	-۰/۱۲۲**	-۰/۰۱۸	-۰/۱۷۶**	۰/۲۱۶**	۰/۱۳۷**
BTM	-۰/۱۱۶*	۱	-۰/۲۹۲**	-۰/۱۷۴**	-۰/۴۲۹**	۰/۱۶۶**

۰/۰۰۱	۰/۳۷۱**	-۰/۰۴۵	۱	-۰/۳۴۲**	۰/۰۰۷	SIZE
-۰/۲۲۴**	-۰/۳۳۳**	۱	-۰/۱۴۲**	-۰/۱۷۷**	-۰/۲۳۶**	LEV
۰/۱۰۹*	۱	-۰/۵۱۷**	۰/۳۵۳**	-۰/۴۴۴**	۰/۲۷۵**	ROA
۱	۰/۲۸۱**	-۰/۵۸۵**	-۰/۱۲۱*	۰/۱۸۸**	۰/۱۹۵**	CUR
* و ** نشانگر معنی داری ضریب هم‌بستگی در سطح ۵ و ۱ درصد هستند.						

در پژوهش حاضر از برازش مدل رگرسیونی (۱) برای استنباط در خصوص جهت و سطح معنی داری رابطه متغیرهای مستقل با متغیر وابسته استفاده شده است. برای استفاده از مدل‌های رگرسیونی پیش فرض‌های مشخصی وجود دارند که نتایج بررسی این پیش شرط‌ها در نگاره ۳ تشریح شده است. عدم وجود هم‌بستگی بین خطاهای مدل یکی از مفروضات رگرسیون است که آگاهی از آن نیازمند انجام آزمون دوربین-واتسون می‌باشد. چنانچه آماره این آزمون در بازه ۱/۵ تا ۲/۵ قرار گیرد می‌توان فرض نبود هم‌بستگی بین خطاهای مدل را پذیرفت [۵].

نگاره ۳ - پیش فرض‌های رگرسیون

شاخص‌های وضعیت		۲/۱۱۶	آماره دوربین واتسون (DW):
۳/۹۶۱	۱/۰۰۰	۱/۱۳۴	آماره کولموگروف اسمیرنوف (K-S):
۸/۴۲۱	۲/۵۱۰	۰/۱۵۲	سطح معنی داری آماره کولموگروف اسمیرنوف:
۱۸/۹۲۵	۳/۲۲۸	۰/۰۰۰	میانگین خطاهای مدل
		۰/۹۹	واریانس خطاهای مدل

هم چنین بکارگیری تجزیه و تحلیل رگرسیون نیازمند آن است که متغیر وابسته مورد بررسی دارای توزیع نرمال باشد. آگاهی از نوع توزیع متغیر وابسته (در این جا کیفیت افشا، DISC) نیازمند انجام آزمون کولموگروف-اسمیرنوف است. از آنجا که آماره کولموگروف-اسمیرنوف محاسبه شده در رابطه با نوع توزیع متغیر کیفیت افشا، ۱/۱۳۴، از نظر آماری در سطح معنی داری ۰/۱۵۲ قرار دارد بنابراین می‌توان فرضیه صفر آزمون مزبور مبنی بر نرمال

بودن توزیع متغیر کیفیت افشا را پذیرفت. صفر بودن میانگین (امید ریاضی) خطاهای مدل و ثابت بودن واریانس خطاهای مزبور از دیگر مفروضات رگرسیون هستند. نبود همبستگی (هم خطی) بین متغیرهای مستقل یکی دیگر از مفروضات رگرسیون است که آگاهی از آن نیازمند محاسبه شاخص‌های وضعیت می‌باشد. شاخص‌های وضعیت نیز در نگاره ۳ نمایش داده شده‌اند. تمامی پیش‌فرض‌های رگرسیون، غیر از یک مورد که مربوط به یکی از شاخص‌های وضعیت (۱۸/۹۲۵) می‌باشد، دارای مقادیر مطلوب و رگرسیون از این نظر مناسب و قابل استفاده می‌باشد [۵]. ضریب همبستگی چندگانه، به شرح نگاره ۴، نشانگر آن است که شدت رابطه متغیرهای مستقل با متغیر وابسته ۰/۳۰۰ بوده است. هم‌چنین با توجه به آماره فیشر محاسبه شده ($F = ۸/۶۱۴$) می‌توان فرض وجود رابطه خطی بین متغیر وابسته و متغیرهای مستقل (خطی بودن مدل) را در سطح مناسبی از معنی‌داری ($\text{sig} = ۰/۰۰۰$) پذیرفت.

نگاره ۴- آماره‌های مدل رگرسیون (خطی)

۰/۰۹۰	ضریب تعیین، R2	۰/۳۰۰	ضریب همبستگی چندگانه، R
۲۱/۳۹۸	خطای معیار برآورد	۰/۰۷۹	ضریب تعیین تعدیل شده، Adjusted R2
۰/۰۰۰	سطح معنی‌داری آماره F	۸/۶۱۴	آماره F

نتایج حاصل، به شرح نگاره ۵، حاکی از آن است که در برازش مدل (۱) ضریب به دست آمده برای BTM از نظر جبری منفی (۱۱/۸۵۱-) و از نظر آماری در سطح ۰/۰۲۰ معنی‌دار است. منفی بودن ضریب محاسبه شده برای BTM به معنای وجود رابطه مستقیم بین محافظه‌کاری و کیفیت افشا می‌باشد زیرا همان‌گونه که پیشتر گفته شد تغییرات BTM در جهت عکس تغییرات محافظه‌کاری است. با توجه به این یافته‌ها می‌توان گفت شواهد

متقاعدکننده‌ای برای تایید فرضیه وجود رابطه مستقیم معنی‌دار بین محافظه‌کاری و کیفیت افشا وجود دارد. این نتیجه‌گیری مشابه یافته‌های لافوند و واتز می‌باشد [۲۳].

نگاره ۵- آماره‌های ضرایب رگرسیون

متغیر	اندازه ضریب (α_i)	آماره t	سطح معنی‌داری	تولرانس	عامل تورم واریانس
BTM	-۱۱/۸۵۱	-۲/۳۳۰	۰/۰۲۰	۰/۶۶۸	۱/۴۹۷
SIZE	-۱/۸۶۷	-۲/۴۹۷	۰/۰۱۳	۰/۸۴۰	۱/۱۹۰
LEV	-۰/۷۹۴	-۲/۴۰۵	۰/۰۱۷	۰/۷۵۲	۱/۳۳۰
ROA	۰/۲۴۲	۲/۵۳۴	۰/۰۱۲	۰/۵۸۸	۱/۷۰۲
CUR	۲/۴۸۸	۲/۴۹۰	۰/۰۱۳	۰/۹۱۸	۱/۰۸۹

با توجه به این که برای متغیر اندازه در برازش مدل ضریب منفی معنی‌داری، $-۱/۸۶۷$ ، به دست آمده است می‌توان گفت با افزایش اندازه شرکت کیفیت افشای آن کمتر می‌شود. این نتیجه‌گیری مشابه یافته‌های تجربی جئونگ و رهو [۱۸] و خورانا و رامان [۲۰] می‌باشد. برازش مدل رگرسیونی تحقیق منجر به محاسبه ضریب منفی، $-۰/۷۹۴$ ، برای متغیر نسبت بدهی (LEV) گردیده است. از آنجا که این ضریب از نظر آماری در سطح مناسبی از معنی‌داری، $۰/۰۱۷$ ، قرار دارد، می‌تواند شواهد متقاعدکننده‌ای در خصوص وجود رابطه معکوس بین نسبت بدهی و کیفیت افشا فراهم آورد. جئونگ و رهو [۱۸] و پاتون و زلنکا [۲۸] نیز به نتایج همانندی در خصوص رابطه نسبت بدهی و کیفیت افشا دست یافته‌اند.

هر چند بین متغیرهای مرتبط با ساختار و کیفیت افشا رابطه معکوس و معنی‌داری قابل مشاهده است، یافته‌های تجربی تحقیق حاکی از آن است که بین کیفیت افشا و متغیرهای مرتبط با عملکرد رابطه مستقیم معنی‌داری وجود دارد زیرا مطابق نگاره ۵، برازش مدل تحقیق منجر به محاسبه ضرایب مثبت ($۲/۴۸۸$ و $۰/۲۴۲$) و معنی‌دار ($۰/۰۱۳$ و $۰/۰۱۲$) برای متغیرهای سودآوری و نقدینگی گردیده است. از این نظر یافته‌های تحقیق حاضر مشابه نتایج

پژوهش‌های اینچائوستی و لونتیس و ویتمن می‌باشد [۱۷] و [۲۵]. یافته‌های تحقیق به شرح نگاره ۵ حاکی از آن است که تولرانس هیچ یک از ضرایب برازش شده خیلی کم و عامل تورم واریانس هیچ یک از آنها خیلی زیاد نیست در نتیجه از این نظر نیز می‌توان ضرایب حاصل از برازش رگرسیون را قابل اتکا دانست [۵].

نتیجه‌گیری

هدف اصلی حسابداری و گزارشگری مالی عبارت از تهیه و افشای اطلاعات سودمند برای تصمیم‌گیری اقتصادی توسط استفاده‌کنندگان صورت‌های مالی است. از دیدگاه هنجاری بکارگرفته شده در تدوین مبانی نظری پیش‌بینی می‌شود اعمال محافظه‌کاری در حسابداری و گزارشگری مالی می‌تواند سبب بهبود قابلیت اتکای اطلاعات افشا شده و از این طریق موجب بهبود کیفیت افشا و گزارش اطلاعات مالی گردد. در این راستا پژوهش حاضر به آزمون فرضیه وجود رابطه مستقیم بین محافظه‌کاری و کیفیت افشا در محیط گزارشگری مالی و بازار سرمایه کشورمان می‌پردازد. در این زمینه و برای آنکه یافته‌های تحقیق به شکل معناداری قابل تفسیر باشند تاثیر متغیرهای مرتبط با ساختار (اندازه و نسبت بدهی) و تاثیر متغیرهای مرتبط با عملکرد (سطح سودآوری و نقدینگی) نیز مورد کنترل و بررسی قرار گرفته است. تجزیه و تحلیل آماری داده‌های ۴۴۴ سال - شرکت حاکی از آن است که رابطه مستقیم معنی‌داری بین محافظه‌کاری و کیفیت افشا وجود دارد. به بیان دیگر، فرضیه اصلی تحقیق با توجه به یافته‌های تجربی موجود تایید می‌گردد. یافته‌های تحقیق از یک سو حاکی از وجود رابطه معکوس بین متغیرهای مرتبط با ساختار و کیفیت افشا و از دیگر سو گویای وجود رابطه مستقیم بین متغیرهای مرتبط با عملکرد و کیفیت افشا هستند. در خصوص رابطه متغیرهای مرتبط با عملکرد و کیفیت افشا یافته‌های تحقیق حاضر موید مفاهیم تئوری علامت‌دهی هستند.

محدودیت و پیشنهادهای تحقیق

تحقیق حاضر مانند دیگر پژوهش‌های تجربی داخلی که در حوزه حسابداری انجام می‌شوند دارای محدودیت‌هایی است. به نظر می‌رسد می‌توان مهم‌ترین محدودیت پژوهش حاضر را مرتبط با گردآوری و بررسی داده‌های مطلوب دانست. این محدودیت مربوط به دوره زمانی تحقیق می‌باشد. نکته قابل ذکر در خصوص این محدودیت، گریزناپذیر بودن آن است. سازمان بورس و اوراق بهادار در سال‌های اخیر اقدام به رتبه‌بندی کیفیت افشای شرکت‌ها و سپس انتشار این رتبه‌بندی نموده است. این امر باعث شده است در پژوهش حاضر از داده‌های بازه زمانی ۱۳۸۳ تا ۱۳۸۶ (چهار سال) استفاده شود. بدیهی است که در صورت گسترش دامنه این بازه زمانی تعمیم‌پذیری نتایج تحقیق افزایش خواهد یافت.

یافته‌های تجربی تحقیق حاضر گویای تاثیر مطلوب محافظه‌کاری بر کیفیت ارایه و افشای اطلاعات هستند. بنابراین پیشنهاد می‌شود نهاد تدوین کننده استانداردهای حسابداری (سازمان حسابرسی) کماکان رویه خود مبنی بر تدوین و الزام استانداردهای حسابداری حاوی رویه‌های محافظه‌کارانه را ادامه دهد و در صورت وجود اراده و خواست لازم برای حرکت به سمت استانداردهای حسابداری حاوی رویه‌های غیرمحافظه‌کارانه این تحول کاملاً تدریجی صورت پذیرد تا در دوره گذار استفاده کنندگان صورت‌های مالی از یک سو بتوانند مانند گذشته از مزایای بکارگیری محافظه‌کاری بهره‌مند شوند و از دیگر سو بتوانند به تدریج فرآیند تصمیم‌گیری خود را با خروجی‌های نظام حسابداری و گزارشگری مالی نوین هماهنگ سازند.

یافته‌های تجربی این تحقیق نشانگر تاثیر نامطلوب اندازه شرکت و میزان بدهی‌های آن بر کیفیت ارایه و افشای اطلاعات هستند. این یافته‌ها می‌تواند برای سازمان بورس و اوراق بهادار یعنی نهاد ناظر بر بازار سرمایه کشور دارای کاربردهای مشخص عملی باشد. پیشنهاد می‌شود سازمان بورس اوراق بهادار که عهده‌دار نظارت بر افشای اطلاعات توسط شرکت‌ها است با پیگیری و تصویب دستورالعمل‌های جدید یا جداگانه، شرکت‌های بزرگ یا شرکت‌های دارای بدهی‌های عمده را به افشای موارد خاص یا اضافی وادارد. آگاهی از یافته‌های تحقیق حاضر می‌تواند برای سرمایه‌گذاران، سهام‌داران یا دیگر فعالان بازار سرمایه در خصوص تصمیم‌گیری برای خرید یا فروش سهام شرکت‌های پذیرفته‌شده

در بورس اوراق بهادار تهران سودمند باشد. از منظر یافته‌های این تحقیق تحصیل یا نگهداری سهام شرکت‌های بزرگ یا دارای نسبت بدهی بالا معادل پذیرش ریسک ناشی از افشای نامناسب اطلاعات توسط این شرکت‌ها است. از سوی دیگر تحصیل و نگهداری سهام شرکت‌های سودآور یا شرکت‌های برخوردار از نقدینگی و انعطاف پذیری مالی بالا، به سبب آن‌که این شرکت‌ها کیفیت افشای بهتری دارند، مترادف با بهره‌مند شدن از مزیت کاهش ریسک و عدم تقارن اطلاعاتی است. براساس این نتایج پیشنهاد می‌شود سرمایه‌گذاران، سهام‌داران و دیگر فعالان بازار سرمایه، به ویژه آن‌هایی که دانش کمی از حسابداری و مالی یا توانایی اندکی برای تجزیه و تحلیل گزارش‌های مالی دارند، هنگام تصمیم‌گیری در رابطه با خرید، نگهداری یا فروش سهام یک شرکت به رتبه‌بندی کیفیت افشای آن توسط سازمان بورس و اوراق بهادار توجه نمایند.

منابع

۱. بلکویی، احمد. (۲۰۰۰). تئوری‌های حسابداری. علی پارسائیان، تهران، انتشارات دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
۲. رضا زاده، جواد. عبدالله، آزاد. (۱۳۸۷). رابطه بین عدم تقارن اطلاعاتی و محافظه‌کاری در گزارشگری مالی. بررسی‌های حسابداری و حسابرسی. شماره ۵۴، صص ۶۳ تا ۸۰.
۳. سازمان بورس اوراق بهادار. (۱۳۸۸). گزارش رتبه‌بندی شرکت‌ها از نظر کیفیت افشا و اطلاع‌رسانی مناسب. قابل دسترسی از طریق پایگاه اینترنتی سازمان بورس اوراق بهادار به نشانی www.seo.ir.
۴. کمیته تدوین استانداردهای حسابداری. (۱۳۸۱). استانداردهای حسابداری. تهران. انتشارات سازمان حسابرسی.

۵. مومنی، منصور. علی، قیومی. (۱۳۸۷). تحلیل‌های آماری با استفاده از SPSS. تهران، انتشارات کتاب‌نو.

۶. نوروش، ایرج. علی، حسینی. (۱۳۸۸). بررسی رابطه بین کیفیت افشا (قابلیت اتکا و به‌موقع بودن) و مدیریت سود. بررسی‌های حسابداری و حسابرسی. تهران، شماره ۵۵، صص ۱۱۷ تا ۱۳۴.

۷. واتز، راسال. زیمرمن، جرالده. (۱۹۸۶). تئوری اثباتی حسابداری. علی پارسایان، انتشارات ترمه.

۸. ولک، هری‌آی. تیرنی، مایکل‌جی. ال‌داد، جیمز. (۲۰۰۶). تئوری‌های حسابداری. غلامرضا کرمی و کامران تاجیک، تهران، انتشارات نگاه دانش.

۹. هندریکسن، الدون‌اس. ون‌بردا، مایکل‌اف. (۱۹۹۲). تئوری‌های حسابداری. علی پارسایان، تهران، انتشارات ترمه.

10. Ball, R., S.P. Kothari, and A. Robin, (2000). The effect of international institutional factors on properties of accounting earnings. *Journal of Accounting & Economics* 29, 1-52.
11. Battacharya, U., H. Daouk and M. Welker. (2003). The world price of earnings opacity. *The Accounting Review*, 78(3): 641-678.
12. Belkaoui, A. Kahl, A. (1978). Corporate financial disclosure in Canada. Research Monograph No. 1, Canadian Certified General Accountants Association, Vancouver.

13. Deegan, Craig. (2006). *Financial Accounting Theory*. McGraw-Hill.
14. Financial accounting standard boards. (1978). *Objectives of Financial Reporting by Business Enterprises. Statement of Financial Accounting Concepts No.1*.
15. Givoly, D., Hayn, C. (2000). The changing time-series properties of earnings, cash flows and accruals: Has financial reporting become more conservative?. *Journal of Accounting and Economics* 29, 287-320.
16. Hagerman, R. Zmijewski, M. E. (1979). Some economic determinants of accounting policy choice. *Journal of Accounting and Economics*, 1(2), 141–161.
17. Inchausti, B. G. (1997). The influence of company characteristics and accounting regulation on information disclosed by Spanish firms. *The European Accounting Review*, 6(1), 45–68.
18. Jeong, S. W. Rho, J. (2004). Big Six auditors and audit quality: The Korean evidence. *International Journal of Accounting*, 39, 175–196.
19. Khan, M., and R. Watts. (2007). Estimation and validation of a firm-year measure of conservatism, Working Paper, Sloan School, MIT, Cambridge.
20. Khurana, I. K. Raman, K. K. (2004). Are Big Four audits in ASEAN countries of higher quality than Non-Big Four audits?. *Asia-Pacific Journal of Accounting and Economics*, 11, 139–166.

21. Kim, B. Jung, k. (2007). The Influence of Tax Costs on Accounting Conservatism. Working Paper. Korea Advanced Institute of Science and Technology.
22. Kimberly A. Brian W. Mayhew. (2004). Audit Firm Industry Specialization and Client Disclosure Quality. *Review of Accounting Studies*, 9, 35–58.
23. LaFond, R. Watts, R. (2008). The information role of conservatism. *The Accounting Review*, 83: 443-478.
24. Lang, M. Lundholm, R. (1993). Cross sectional determinants of analyst ratings of corporate disclosures. *Journal of Accounting Research*, 31(2), 246–271.
25. Leventis, S. Weetman, P. (2004). Voluntary disclosures in an emerging capital market: some evidence from the Athens stock exchange. *Advances in International Accounting*, Volume 17, 227–250
26. Malone, D. Fries, C. Jones, T. (1993). An empirical investigation of the extent of corporate financial disclosure in the oil and gas industry. *Journal of Accounting, Auditing and Finance*, 8(3), 249–273.
27. Meek, G. K. Roberts, C. B. Gray, S. J. (1995). Factors influencing voluntary annual report disclosures by U.S., U.K. and continental European multinational corporations. *Journal of International Business Studies* (3rd Quarter), 555–572.
28. Patton, J. Zelenka, I. (1997). An empirical analysis of the determinants of the extent of disclosure in annual reports of joint stock companies in the Czech Republic. *The European Accounting Review*, 6(4), 605–626.

29. Verrecchia, R. E. (2001). Essays on disclosure. *Journal of Accounting and Economics*, 32, 97–180.
30. Wallace, R. S. O. Naser, K. (1995). Firm-specific determinants of the comprehensiveness of mandatory disclosures in the corporate annual reports of firms listed on the stock exchange of Hong Kong. *Journal of Accounting and Public Policy*, 14, 311–368.
31. Wallace, R. S. O., Naser, K. Mora, A. (1994). The relationship between the comprehensiveness of corporate annual reports and firm characteristics in Spain. *Accounting and Business Research*, 25(97), 41–53.
32. Watts, R. (2002). Conservatism in Accounting. Working Paper. Simon School of Business, University of Rochester.
33. Watts, R. (2003). Conservatism in accounting part I: explanations and implications. *Accounting Horizons* 17: 207-221.